

1-Review

Context

یه اتاق دو تخته محبت می کنین ؟ من از قبل رزرو کردم.

Can I have a double room please? I have already **made a reservation**.

می شه یه لطفی در حقم بکنین؟

Could you do me favor?

من به یه مشکلی برخوردم و نیاز به مقداری پول دارم امکانش هست این ماه از حقوقم بهم مساعده بدین؟

I have **faced** with the problem, I need some money, could you possibly pay me an advance of my next month salary?

فکرشم نکن! رئیس من اونقدر سخت گیره مطمئنم مخالفت می کنه از اینکه ۲ روز مرخصی بده.

Perish the thought; my boss is so strict, I'm sure he will object to giving you 2days off.

از کجا میدونی مخالفت می کنه که من بخوام مساعده دریافت کنم؟

How do you know he will object to getting advance?

پرسیدنش ضرر نداره.

It wouldn't hurt to ask.

من مطمئنم پدرت مخالفت می کنه از اینکه بخوای با دوستات مجردی بری سفر.

I'm sure your father will object to **your** going on a trip with your friends.

بهر حال کار از محکم کاری عیب نمی کنه.

There is no harm in being over cautious.

می شه یه خواهشی ازت بکنم؟

Could I ask you a favor?

امكانش هست اين دفعه بذارى با يه اخطار برم؟

Could you possibly let me off with the warning this time?

من مطمئنم شوهرت مخالفت می کنه که این دفعه بری دبی.

I'm sure your husband will object to **your** going to Dubai.

جالا امتحانش ضرر نداره.

It wouldn't hurt to try.

بهتره با بابات چک کنی.

You had better check with your father.

من مطمئنم اون مخالفت می کنه بخوای ماهواره نصب کنی.

I'm sure he will object to your setting satelite here

احتیاط شرط عقله.

Discretion is the better part of the valor.

من فکر نمیکنم شما نیازی به گرفتن ویزا برای این کشور داشته باشی.

I don't think you need take a visa for this country.

بهتره با سفیر چک کنی.

You had better check it with **ambassador.**

من مطمئنم اون مخالفت می کنه که تو بخوای اینجا سرمایه گذاری کنی.

I'm sure he will object to **your** investing here.

اگه نظر منو بخوای من میگم که کار از محکم کاری عیب نمی کنه.

If you ask my **opinion**, I say that there is no harm in being over cautious.

بعد چهارراه خیلی شلوغه ، همینجا خوبه پیادت کنم؟

It's very crowded after the crossing, is it alright if I drop you off here?

ازت می خوام این کارو نکنی آخه من به بوی تو حساسیت دارم!

I ask you not to do it; I'm allergic to your **smelling!**

از این آسانسور می شه استفاده کرد یا برای پرسنل اینجاست؟

Is it alright to use the elevator or it belongs to the staff?

Vocabulary

سفیر

Ambassador

2-Write a note, asking him to authorize me to change lock

Context

می شه یه لطفی در حقم بکنی؟

Could you do me a favor?

یه خواهشی بکنم که ...؟

could or Can I ask you a favor?

چرا خونه برادرت رو به نام خودت کردی؟

Why have you made your brother's house over to you?

به دوربین برادرت دست نزدم.

I haven't touched your brother's camera.

عیبی داره مهمونی فردا شب پدرت رو نیام؟

Do you mind if I don't come to your father's party tomorrow?

کتاب دوستم

My friend's book

چند وقت پیش روغن ماشین رو عوض کردی؟

How long ago did you change the oil of the car?

the car oil

عنوان کتابی که میخونی چیه؟

What is the title of the book you are reading?

the book title

چرا می خواهی تاریخ مهمونی رو عوض کنی؟

Why are you gonna change the date of the party?

the party date

چرا هفته پیش کلاس دوشنبه رو کنسل کردی؟

Why did you cancel the Monday's class last week?

کجا می خواهی مهمونی دوشنبه رو بگیری؟

Where are gonna hold the Monday's party?

می شه یه لطفی در حقم بکنید؟

زیباترین جمله کامل (یعنی جمله بدون نیاز به پیرو) درخواست/خواهش:!

could i ask you a favor?

could you do me a favor?

برای تبدیل جمله کامل بالا به جمله ناقص (جمله ای که نیاز به پیرو دارد)!

میشه اذت بخوام

could i ask you to...?

could i possibly ask you to...?

کدینگ:

could i میشه من

ask خواست

مضاف و مضاف الیه

اگر مضاف انسان یا تاریخ باشد: اِستِروف اس

monday's class

Ali's car

اگر مضاف غیر انسان باشد: ان پی آو ان پی

یا ان پی آو ان پی مقلوب بدون آو

the window of the car

the car window

اگر مضاف غیرانسان باشد و در صورت جدا شدن مضاف و مضاف الیه، ماهیت سیستم از بین میرود آنگاه حرف اضافه غیر آو استفاده میکنیم
مثلاً قفل در، سقف اتاق
باید از حرف اضافه ای استفاده کنیم که موقعیت مضاف الیه رو روی مضاف نشون میده
the lock on the door, the roof on the room, the cilling in the room,

Could you do me a favor?

می شه ازت بخوام قفل روی در رو عوض کنی؟

Could I ask you to change the lock **on** the door?

زمان زیادی طول می کشه که امروز اداره رو ترک کنم، مهمون هام ذره ذره دارند می آیند
می شه ازت بخوام تا من می رسم سرشون رو گرم کنی؟

It takes me a long time to leave the office today, my guests are coming
dribs and drabs, could I ask you to entertain the guests until I arrive?

می شه ازت یه خواهشی بکنم؟

Could I ask you a favor?

در خدمتتونم، چیکار می تونم براتون انجام بدم؟

I am at your service, what can I do for you?

مخم توی این رشته نمی کشه، از این رشته سر در نمی آورم.

I am rusty in my major; I don't know one alphabet of this major.

از این رشته سر در نمی آورم.

This major goes over my depth.

ه رو از ب تشخیص نمی دم.

I can't make a head nor tail of this job.

می شه ازت بخوام رشته ام رو به روانپزشکی تغییر بدی؟

Could I ask you to switch my major to psychology?

با کمال میل، چیکار می تونم برات بکنم؟

By all means, what shall I do for you?

رو پام احساس سوزن سوزن می کنم، میشه ازت بخوام جا شکری رو برام بیاری؟

I have got pins and nails in my leg, could I ask you to bring me the **sugar**
pot?

ماشین روشن نمی شه.

The car isn't **switched on**.

پسیو حال ساده

پسیو گذشته ساده: شد

پسیو حال کامل: شده

پسیو حال ساده: میشود/میشه(عامیانه)/

هست/ه آخر

درب قفل هست.

The door is locked.

درب قفل نیست.

The door isn't locked.

می شه ازت بخوام ماشینم رو باتری به باتری کنی؟

Could I ask you to **jump start** my car?

می شه ازت بخوام ماشینم رو هل بدی، ماشین روشن نمی شه.

Could I ask you to **push start** my car, the car isn't switched on.

می شه ازت یه درخواست کنم؟

Could you do me a favor?

با کمال میل، در خدمت هستم.

By all means, I am at your service.

توی ترافیک گیر کردم، کی می خوای کلاس رو شروع کنی؟

I have gotten stuck in the traffic when are you gonna start the class?

هفته پیش بهتون خوش گذشت؟

Did you have a good time last week?

هفته گذشته بهم خوش نگذشت، هفته گذشته توی ترافیک بودم.

I didn't have a good time last week; I got stuck in the traffic last week.

توی بد مخمصه ای افتادم

I have gotten stuck in the **bad predicament**.

انگشتم توی بطری گیر کرده.

My finger is in stuck in the bottle.

توپ تنیسم لای شاخه ها گیر کرده.

My tennis ball is in stuck among the branches.

می شه توپم رو از لای درخت در بیاری؟

گیر کردن کسی در جایی
to be + in stuck
گیر کردن چیزی در جایی
گیر کرده، گیر افتاده: stuck: کدینگ

Could I ask you to **get the ball out** of the tree?

اینجا بهم ریخته، نمی رسم اینجا رو تمیز کنم قبل از اینکه مهمونها برسند.

There is a mess here, I can't get around to cleaning here before the guests arrive.

چیکار کنم برات؟

What shall I do for you?

می شه از خواهش کنم که این جعبه ها رو ببرید انبار؟

Could I ask you to carry the boxes into the stuck room?

از آمپول می ترسه ، می شه ازت بخوام یجوری بگیریش که بتونم بهش آمپول بزنم؟

He is afraid of the injection; could I ask you to hold him so that I can inject him?

حالم از اینکار بهم می خوره، می شه ازت بخوام عنوانم رو توی اینکار عوض کنی؟

I am pretty sick of this job. Could I ask you to change my title in my job?

منظره خیلی خوبی داره، می شه ازت بخوام آزمون یه عکس بگیرم؟

It has a bird's eye view; could I ask you to take a photo of us?

صدا واضح نیست، صدای گیرنده گوشی واضح نیست، می شه ازت بخوام زنگ در رو تعمیرش کنی؟

The **voice** is not **clear**, the **receiver** of the phone is not clear; could I ask you to mend the **doorbell**?

می شه خیارشور توی ساندویچم نذاری؟

Could I ask you not to **add** any **pickles** in my sandwich?

~~می شه خیارشور توی ساندویچم نچونی؟~~

~~Could I ask you not to stuff any pickles in my sandwich?~~

فکر کنم لاستیک پنچره، می شه ازت بخوام پنچری لاستیک رو بگیرم؟

I think the tire is flat, could I ask you to change the flat tire?

می دونم اشتباه کردم.

I know I have made a mistake.

می دونم دیشب اشتباه کردم.

I know I made a mistake last night.

می شه ازت بخوام بخاطر بابام منو ببخشی؟

Could I ask you to forgive me for my father sake?

دوستم **جراحی** کرده، می شه ازت خواهش کنم حواست بهش باشه؟

عمل operation
عمل کردن have operation
جراحی surgery
جراحی کردن have surgery

My friend has had a **surgery**, could I ask you to keep an eye on her?

تازه اینجا رو کرایه کردم، نمی دونم چرا سقفش چکه می کنه؟!

I have just rent here; I don't know why the **ceiling** is **leaking?!**

می شه خواهش کنم سقف اتاق منو تعمیر کنی؟

Could I ask you to **repair** the ceiling in my room?

کلید توی در گیر کرده، می شه ازت خواهش کنم قفل در رو عوض کنی؟

The key is in stuck in the lock, could I ask you to change the lock on the door?

می شه ازت خواهش کنم قفل در رو عوض کنی؟

همین قالب رو میتونی به
بهش اضافه کنی شیک تر بشه possibly

Could I **possibly** ask you to change the lock on the door?

متأسفانه نمی تونم بدون اجازه صاحبخونه انجامش بدم.

I am afraid I can't do that without my **landlord's** **permission.**

متأسفانه نمی تونم بدون اجازه رئیس شما رو توی ساختمان **راه** بدم.

I am afraid I can't **admit** you **into** the building without my boss permission.

کارت ورود رو توی خونه ام جا گذاشتم، می شه ازت خواهش کنم در رو باز بذاری؟

I have left my **access card** in my house, could I possibly ask you to leave the door open?

متأسفانه، نمی تونم در رو بدون اجازه مدیرم باز بذارم

یک دیدگاه دیگر
بذار به جاندار let
بذار به غیر جاندار leave

Unfortunately, I can't leave the door open without my manager's permission.

می تونی بدون اجازه شوهرت تا دیر وقت بیرون بمونی؟

Can you stay out late without your husband's permission?

متأسفانه من نمی تونم بدون اجازه معلم وسط کلاس، کلاس رو ترک کنم؟

Unfortunately, I can't leave the class **in the middle** without my teacher's permission?

فکرش رو نکن، نمی تونم بدون اجازه زنم آب بخورم.

Perish the thought; **I can't cough** without my wife's permission.

می شه ازت یه خواهش کنم؟

Could you do me a favor?

فردا میرم سفر، تا دو هفته بعد هم بر نمی گردم، نگران گلهام هستم، می شه ازت بخوام موقعیکه سفرم گلها رو آب بدی؟

I am going on a trip tomorrow, I am not coming back until 2 weeks later, I am worried about my flowers, could I ask you to water the flowers while I am on a trip?

بدون اجازه همسرم آب هم نمی تونم بخورم چه برسه گلها رو آب بدم

I can't cough without my wife's permission let alone I water the flowers.

متأسفانه نمی تونم بدون اجازه صاحب خونه انجامش بدم.

Unfortunately, I can't do that without my landlord's permission.

چجوری می تونم این اجازه رو بگیرم؟

How can I **get** this permission?

چجوری این اجازه رو بگیرم؟

How shall I get this permission?

می خوای اجازه ات رو توی یه چشم بهم زدن ازت بگیرم؟

Would you like me to get your permission **in one wink**?

اصراری به موندنت اینجا ندارم.

I haven't got any strong feeling about staying here.

چرا مامانت اصرار به سفارش دادن غذای دریایی داره؟!

Why has your mother got strong feeling about ordering sea food?!

پدرت رو دیشب بعد از ترک مهمونی ندیدم.

I didn't see your father last night after leaving the party.

می شه ازت خواهش کنم دست از سیگار کشیدن بر داری؟

Could I ask you to stop smoking cigarettes?

من نگران رانندگیت هستم.

I am worried about your driving.

چرا مادرت نگران درس خوندم هست؟

Why is your mother worried about my studying?

چرا اینجا ایستادی ؟

Why are you standing here?

برای خریدن بلیط

To buy some tickets

برای چی مردم دم در صف کشیدند؟

Why are the people queuing at the door?

برای صحبت کردن با آقای رئیس

To speak with the boss

برای برطرف کردن تب

To remove the fever

برای سرحال شدن

To make fresh

برای ضبط کردن فایلها به فرمت MP3

To record MP3 files

برای خنک کردن هوا

همانطور که ما تو فارسی برای نشانه مصدر دن و تن رو داریم تو انگلیسی هم
to verb (divided into 2 types) and ving (divided into 2 types)
رو داریم.

وینگ نوع اول:

وینگ بعد حروف اضافه میاد و بعد یک سری افعال خاص

وینگ نوع دوم:

وسط جمله اگر بخوایم مصدر وینگ بیاریم توی نوشتار: به کاما میذاریم بعد وینگ

توی صحبت کردن اند یا هیچی بعد وینگ

وینگ نوع سوم:

وینگ اول جمله، فرقیش با تو ورب اول جمله اینه که

تو ورب اول جمله: ترجمه میشود به صورت برای انجام دادن یک کار ...

وینگ اول جمله ترجمه میشود: انجام دادن یک کار ...

نوع اول to verb

اول جمله بیاید، معنی: برای انجام دادن یک کار ...

نوع دوم to verb

to be + to verb

معنی: برای انجام دادن یک کار

To make the air cool

برای اسم نویسی نیاز به یه معرف داری

To enroll here you need an **introducer**.

برای پرداخت نقد، شما باید از دستگاه ای تی ام پول برداشت کنی

To pay in cash, you gotta withdraw some money at the ATM.

برای وارد شدن به ساختمان نیاز به کارت ورودی داری.

To **enter** the building, you need an access card.

شما نیاز به یه کارت ورودی داری تا وارد ساختمان بشی.

You need an access card to enter the building.

مصدری to

وی پی جانشین ان پی 1

رابط فعلی to

to پس جملاتی که با مصدر با شروع میشن را میشه بدون تغییر معنا مقلوب کرد

برای صحبت کردن با رئیس باید باهاش قرار بذاری.

To speak with the boss, you have to make an appointment.

مجبوری باهاش قرار بذاری تا بتونی باهاش صحبت کنی.

You have to make an appointment to speak with the boss.

شما **مجبوری** به پدرت زنگ بزنی و منتظرموندن اینجا هیچ فایده نداره.

You have to call your father and waiting here **is no use**.

من شما رو اینجا ثبت نام کردم و پرداختن پول **نیازه**.

I have enrolled you here and paying in cash **is needed**.

من دندونهام رو کشیدم و خوردن آب سرد و استفاده کردن این قرص کمکی بهم نمی کنه.

I have **extracted** my tooth and taking the tablet and drinking cold water **don't** help me.

این نوع مصدر میتواند به تعداد بی نهایت در یک جمله بیاید

این قرص برای خوردن بین وعده های غذاست.

This tablet is to take between every meal.

این وسیله برای ضبط کردن بصورت MP3 هست.

This device is to record MP3 format.

من برای کمک کردن به تو اینجام.

I am to help you here.

جواب من گفتن بله هست.

My answer is to say yes.

بهترین کاری که می شه انجام داد نوشتن یه یادداشت هست.

The best thing to do is to write a note.

تنها کاری که می شه کرد

The only thing to do

تنها افرادی رو که می شه دعوت کرد

The only people to invite

تنها قرصی رو که می شه تجویز کرد

The best tablet to prescribe

بهترین راه که می شه رانندگی کرد

The best way to drive

متأسفانه، کاری از دستم بر نمی آد.

Unfortunately, there is nothing I can do about it.

تنها چیزی که می شه انجام داد بستری کردن پدرت هست.

The only thing to do is to lay up your father.

وقت کم داریم، بهترین راهی که می شه کلاس رو مرور کرد برگزاری کلاس جبرانی هست.

We are short of the time; the best way to review the class is to hold the makeup the class.

متأسفانه، دندونت پوسیده شده. تنها کاری که می شه کرد کشیدن دندونت هست.

Unfortunately, your tooth has been decayed. The only thing to do is to extract your tooth.

بهترین کاری که می شه کرد نوشتن یه یادداشت و درخواست کردن ازش که بمن اختیار بده که قفل درت رو عوض کنم.

The best thing to do is to write a note, asking him to **authorize** me to change the lock on your door.

متأسفانه، کاری از دستم بر نمی آید، تنها چیزی که می شه انجام داد بستری کردن پدرت
اینجاست، صحبت کردن با دکترش و درخواست کردن ازش که اختیار عمل کردن پدرت رو
بمن بده.

Unfortunately, there is nothing I can do about it; the only thing to do is to lay
up your father here, speaking to his doctor, asking him to authorize me to
operate your father.

بهترین کاری که می شه انجام داد، نوشتن نامه به آقای اسمیت در قسمت کارگزینی،
صحبت کردن باهاش، دعوت کردنش به اینجا و درخواست کردن ازش که اختیار دادن
مساعده بهت رو بهم بده.

The best thing to do is to write a **note** to Mr. Smith in staff room, inviting him
here, speaking to him, asking him to authorize me to give you an advance.

انجامش می دم.

I am doing that.

متأسفم، منظورم این نیست که همه چی رو برات سخت کنم.

I am sorry; **I don't mean to make** things **difficult** for you.

منظورم اینه که همه چی رو قابل درک کنم.

I mean to **make** things **understandable**.

سعی کن همه چی رو قابل فهم کنی.

Try to make things understandable.

سعی نکن همه چی رو پیچیده کنی.

Don't try to **make** things **complicated**.

بنفعت هست، من دارم سعی می کنم همه چی رو برات آسون بکنم.

It is on your benefit, I am trying to **make** things **easy** for you.

درک می کنم.

I understand.

پدرم هر روز می آد اینجا و بیدارم می کنه و صبحانه رو با من می خوره.

My father comes here every day and wakes me up and eats breakfast with me.

این کلاس برای تقویت کردن مکالمه هست.

This class is to improve your conversation.

برای موندن اینجا نیاز به اجازه داری.

To stay here you need permission.

موندن اینجا مفید نیست.

Staying here is no use.

مسافرت کردن فایده ای ندره.

Going on a trip is no use.

صحبت کردن باهاش بنفعته.

Speaking to him is on your benefit.

Vocabulary

کسب اجازه

Obtaining permission

سرگرم کردن

Entertain

مخمصه

Predicament

زنگ آیفون

Receiver

چپاندن

Stuff in

دقت و حواس روی کسی داشتن

Keep an eye on somebody

وارد جایی شدن

Admit into somewhere

باتری به باتری کردن

Jump start

هل دادن

Push start

تصویر سازی

Illustration

رئیس

Boss

آقای رئیس

The boss

سرحال شدن

Make fresh

معرف

Introducer

دندان کشیدن

Extract/pull out

اختیار دادن

Authorize

روغن ماشین

The oil of the car/ the car oil

تاریخ مهمونی

The date of the party/ the party date

در خونه

The door of the house/ the house door

قفل روی در

The lock on the door

سقف اتاق

The roof on the room

سقف اتاق

The ceiling in the room

مخم توی این رشته نمی کشه، از این رشته سر در نمی آورم.

I am rusty in my major; I don't know one alphabet of this major.

از این رشته سر در نمی آورم

This major goes over my depth.

ه رو از ب تشخیص نمی دم

I can't make a head nor tail of this job.

توی بد مخمصه ای افتادم.

I have gotten stuck in the bad predicament.

می خواهی به یه چشم بهم زدن اجازه ات رو بگیرم؟

Would you like me to get your permission in one winkle?

Conversation text

A: Could I ask you to change the lock on the door?

B: I am afraid I can't do that without permission from the landlord.

A: Oh, How can I get this permission?

B: Well the best thing to do is to write a note, asking him to authorize me to change lock on your door.

A: Ok, I am doing that.

B: I am sorry; I don't mean to make things difficult for you.

A: I understand.

3- Would you be interested in seeing a film with me

Context

من به غذاهای تند علاقه دارم.

I am interested in spicy food.

تو از هوای شرجی خوش می آید؟

Are you interested in humid weather?

من از سیبیل خوشم نمی آید.

I am not interested in mustache.

من از غذاهای دریایی خیلی خوشم نمی آید.

I am not interested in sea food so much.

علاقه ای به رانندگی توی جاده ندارم.

I am not interested in driving on the road.

از آشپزی خوش می آید؟

Are you interested in cooking?

پدرم به کار کردن توی شرکت علاقه ای نداره.

My father is not interested in working in the company.

like = to be interested in

علاقه داشتن کلی (به جورایی شبیه کاربرد حال ساده)

دلت می خواد به مسافرت بری؟

Would you be interested in going on a trip?

دلت می خواد شام رو بیرون بخوریم؟

Would you be interested in eating dinner out?

دلت می خواد ریش بزی رو بزنی؟

Would you be interested in shaving gouty?

دلم گرفته.

My heart is sick.

دلم گرفته.

would/will be interested in

علاقه داشتن موردی

would مودبانه تر است

would be هرگز آینده در گذشته نیست بلکه همواره

would be = will be

Do you like/love دوست داشتن (عشق یا محبت)

would you like/do you want/are you gonna

خواستن

would you be interested in علاقه داشتن دلت میخواد

I am sick at heart I am heart sick

دلت می خواد بری حومه شهر یه دوری بزنی؟

Would you be interested in going for a drive in the country?

اگه کاری نداری، دلت می خواد این شنبه با من یه فیلم ببینی؟

If you are not busy, would you be interested in seeing film with me this Saturday?

می دونی چند وقته منو بیرون نبردی؟

Do you know how long you haven't taken me out?

دلم برای شام بیرون تنگ شده== دلم برای یه شام بیرون لک زده.

I have longed to eat out.

اگه سرت شلوغ نیست، دلت می خواد شام رو امشب توی رستوران بخوریم؟

If you are not tied up, would you be interested in eating dinner in the restaurant tonight?

اگه کاری نداری، دلت می خواد امشب به مامانت سر بزنینم، خیلی وقته بهش سر نزدی.

If you are not busy, would you be interested in paying a visit to your mother tonight, you haven't paid a visit to her for a long time.

با کمال میل اما نمی تونم، بخاطر اینکه مجبورم برای امتحان ورودی دانشگاه درس بخونم.

== by all means

I would love to but I can't, because I have to study for my college entrance exam.

دلم لک زده برای... هوس یه دور همی کردم.

I have an itch for gathering.

اگر کاری نداری، دلت می خواد یه مهمونی این آخر هفته بگیری؟

If you are not busy, would you be interested in taking a party this weekend?

با کمال میل اما مجبورم خونه بمونم و از بچه کوچکم مراقبت کنم.

I would love to but I gotta stay at home and take care of my little child.

چه حیف!

That's a pity.

چه حیف!

What a shame.

ممنون از دعوت.

Thanks for your invitation.

ممنون از اینکه دعوتم کردی.

Thanks for inviting me.

اگرچه دیشب سرما خورده بودم ولی وانمود کردم هیچیم نیست.

Although I had a cold last night, I pretended to be ok.

اگرچه دیشب هوا طوفانی بود، ولی مسافرت رفتیم.

last night Although the weather was stormy, we went on a trip.

اگرچه مادربزرگم موند خونه و از خودش مراقبت کرد، بچش سقط شد.

Although my grandmother stayed at home and took care of herself, her baby was aborted.

اگرچه مادرم خیلی خونسرده، ولی نگران پدرم بود

Although my mother is so cool, she was worried about my father.

اگرچه پدرم بی رگه، اما توی اینکار خیلی ضرر کرد.

Although my father was as cool as a cucumber, he made a loss in this business.

اگرچه دیشب خونه پدرم رو دزد زد، ولی ککش هم نگزید.

Although my father's house was burgled last night, he didn't turn a hair.

اگرچه می دونم مقصری، اما این دفعه از اشتباهت چشم پوشی می کنم

Although I know you are guilty, I am turning a blind eye on your mistake this time.

دیشب رفتم سفر گرچه هوا توفانی بود.

I went on a trip last night though the weather was stormy.

اگرچه although

گرچه though

"اگرچه" کاملتر از "گرچه" است به همین دلیل همیشه اول جمله میاد، در حالیکه "گرچه" وسط جمله میاد
"اگرچه" اکثراً همراه با "ولی" یا "اما" میاد

سال گذشته ضرر کردم گرچه می دونستم مقصرم.

I made a loss last year though I knew I was guilty.

شاید یه وقت دیگه یه فیلم ببینیم.

maybe we can do something in some other time

شاید بتونیم یه وقت دیگه این کارو انجام بدیم
قالب مناسب وقتیکه برنامه ریزی برای کاری رد کردی یا بهم خورد

Maybe we can see a film some other time.

مرسی از تماس گرچه شاید یه وقت دیگه فرصت بشه دور هم جمع بشیم.

Thanks for calling me though maybe we can gather together some other time.

مرسی از درخواستت ولی شاید یه وقت دیگه یه فیلم ببینیم.

Thanks for asking though maybe we can see a film some other time.

Vocabulary

!= maybe we can see the film another time

شاید بتونیم یه بار دیگه فیلم رو ببینیم

وانمود کردن

another time یه بار دیگه

some other time یه وقت دیگه

Pretend

خیار

Cucumber

دلم گرفته

My heart is sick

دلم گرفته

I am sick at heart

ککش هم نمی گزه

He didn't turn a hair

این سری از اشتباهت چشم پوشی می کنم.

I am turning a blind eye on your mistake this time.

پدرم بی رگ و بی خیاله

My father is as cool as cucumber

Conversation text

A: If you are not busy, would you be interested in seeing a film with me this Saturday?

B: I would love to but I can't, because I have to study for my college entrance exam.

A: That's a pity.

B: Maybe we can see a film some other time.

Proverb

هیچ جا خونه آدم نمی شه.

No east no west home is the best.

نه شرقی نه غربی